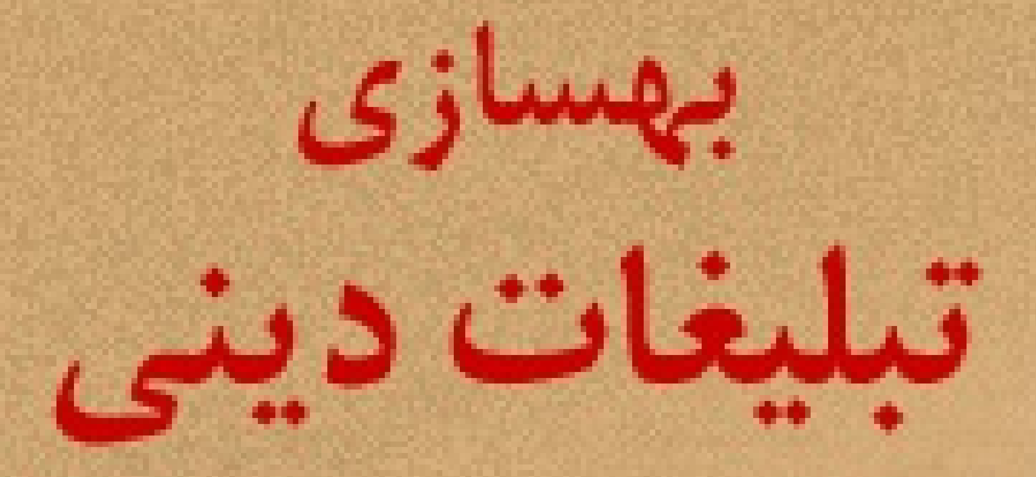


بهسازی
تبلیغات دینی

محمدحسینی شیرازی


بسم الله الرحمن الرحیم

بهسازی تبلیغات دینی

نویسنده:

آیت الله العظمی سید محمد شیرازی (ره)

ناشر چاپی:

کانون نشر اندیشه‌های اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بهسازی تبلیغات دینی

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی محمد

عنوان و نام پدیدآور : بهسازی تبلیغات دینی نوشته محمد شیرازی ترجمه علی کاظمی مشخصات نشر : قم کانون اندیشه‌های اسلامی ۱۳۶۸.

مشخصات ظاهری : ص ۱۲۸

شابک : بها:۲۲۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی موضوع : اسلام -- تبلیغات شناسه افزوده : کاظمی علی مترجم

رده بندی کنگره : BP۱۱/۶۲/ش۹ب۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۴

شماره کتابشناسی ملی : م۶۸-۲۷۸۵

اشاره

ارشاد و تبلیغات از دیرباز دارای اهمیت خاصی بوده و به همین دلیل متصدیان امور تبلیغ مذهبی (روحانیون) در همه ادیان از اهمیت و احترام خاصی برخوردار بوده و هستند. مسلماً یکی از وظائف روحانیون رساندن فرامین و اوامر الهی به بشریت میباشد و در این زمینه باید از تمامی وسائل موجود و متناسب با مقتضای زمان استفاده نمائید. کتاب حاضر در این زمینه به رشته تحریر درآمده و با توجه به تاریخ انتشار (در زمان خود) پیشنهادات قابل توجهی به متصدیان این امر ارائه میدهد.

مقدمه مترجم

مقدمه مترجم

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله، والصلوهٔ والسلام علی رسول الله و آله الطاهرین المعصومین، و لعنهٔ الله علی اعدائهم اجمعین.. اما بعد رسیدگی به امور مذهبی و بهسازی وضع تبلیغات دینی یکی از مهمترین وظائف هر فرد باایمان است، روز بروز وسائل مدرن ببازار می‌آید و همگام با پیشرفت علم و دانش و صنعت و تکنیک وسائل تبلیغات هم عوض می‌شود، متصدیان امور دینی، گردانندگان مسجدها، منبرها، حسینیه‌ها وظیفه دارند از مدرن‌ترین و عالیترین وسایل تبلیغی روز در راه پیشبرد اهداف مذهبی استفاده کنند. سابق بر این یکی از وسائل تبلیغی که جزء شعائر حسینی بود مسئله تعزیه‌داری و شبیه‌خوانی بود، که این برنامه اکثرا جمعیت بیشتری را جمع می‌کرد، ولی متأسفانه بر اثر سوء تدبیر گردانندگان آنطور که باید و شاید نمی‌توانستند صحنه‌های جالب و حساس و آموزنده را طبق روایات صحیح و مدارک مورد اعتماد پیاده کنند. و لذا جمعی بجای آنکه این وسیله تبلیغی مهم را اصلاح نموده تکامل بخشند، با آن به مخالفت پرداخته تا جائیکه می‌بینیم فعلا به صورت تعطیل در آمده است. متصدیان حسینیه‌ها و دسته‌های عزاداری این هنر مذهبی را باید با مشورت علما و فضلای هر منطقه به صورت صحیح احیاء کنند، و برای مناسبتهای شادی، جشن تولدها، اعیاد مذهبی، جمعه‌ها نمایشهای آموزنده تربیتی و اجتماعی و مذهبی مناسب تهیه کنند، و نیز بمناسبت وفیات و سوگواریها نمایشهای تاریخی و آموزنده اجراء کنند، و اگر اقدام به فیلم برداری از این نمایشها کنند و در هر حسینیه محلی

مخصوص جهت نمایش این فیلمها داشته باشند از نظر تربیتی و تبلیغی تأثیر بیشتری حتی از مهمترین منبرها خواهد داشت، زیرا از نظر علمی هم ثابت شده است که آموزش بصری بیش از هر نوع آموزش دیگری تأثیر دارد، و به نظر نگارنده این اقدام یک مبارزه عملی و بسیار مهم با مفاسد اجتماعی بسیاری که ناشی از تأثیرات سوء فیلمهای بدآموز سینماها و تلویزیون است. پیشنهاد دیگری که در مورد مساجد و حسینیه‌ها یادآوری آن لازم بنظرم رسید آنکه متصدیان مساجد و حسینیه‌ها از وجوه خیریه برای هر مسجد و حسینیه یک کتابخانه سیار و یک نوار خانه سیار دائر کنند و کتابهای مذهبی جالب در سطوح مختلف و نوارهای مذهبی جالب بمناسبتهای شادی و مآتم تهیه کنند، و در اختیار افراد و مراجعین و مراکزی مانند آرایشگاهها، دفاتر معاملات ملکی، کاراژها، مخصوصا رانندگان اتوبوسها که برای طی مسافتهای طولانی احتیاج بسرگرمی دارند، و ضمنا در هر اتوبوس چهل و چند نفر از آن نوار قهرا استفاده خواهند نمود. کتابخانه و نوارخانه سیار علاوه بر گسترش مذهب موجب جلوگیری از کتب فاسد، رمانها و مجلات کثیف، و ساز و آواز موسیقی هم خواهد شد. اگر خدارا یاری کنید، خدا نیرومند و ثابت قدمتان میسازد.

۷/۶/۹۲ قمری حوزه علمیه قم ـ علی کاظمی موموندی

مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلف

بسم‌الله الرحمن الرحیم سپاس بدرگاه خداوند بزرگ. درود به پیشگاه رسول گرامی حضرت محمد و اهل‌بیت پاکش. همان رادمردانی که مؤسسین اولیه مسجدها و حسینیه‌ها و مراکز مذهبی و علمی بودند، و پس از تأسیس اینگونه مراکز با برنامه نماز و جلسات موعظه و سخنرانی این مراکز دینی را آباد ساختند، من این راد مردان بزرگ و بانیان مسجدها و حسینیه‌ها را قهرمانان از جمله انگشت شمار می‌شناسم، اما اینکه انگشت شمار هستند احتیاج بدلیل ندارد، زیرا شما اگر دقت کنید در میان هر هزار نفر و بلکه در میان هر ده هزار نفر یک نفر را خواهی یافت که اقدام باینگونه امور و تأسیس اینگونه مراکز کنند. و اما اینکه قهرمان بوده‌اند، زیرا در این راه جهاد کرده‌اند و مبارزه نموده‌اند، و مورد حمله‌های گوناگون افراد نادان قرار گرفته، مورد حسادت واقع شده‌اند، اما در برابر تمامی این حملات و ناملایمات ایستادگی بخرج داده، و تمام ناراحتیهای خود را به حساب خدا گذاشته‌اند. من خودم حدود ده سال پیش با یک وزیر مواجه شدم و از او خواستم که اقدام کند تا زمین مسجدی را که برده‌اند پس بدهند مسجدی که یک موقع در معرض حراجی قرار گرفته و هنگامی هم به صورت طویله الاغها در آمده بود، ما می‌خواستیم این زمین را به همان حالت مسجدی سابقش باز گردانیم. وزیر محترم با دهانی پر گفت: در باره باز گرداندن این مسجد زیاد اصرار نکنید، زیرا قانون شهرداریها در مورد ساختمان مسجد سختیگری بسیاری دارد، بطوری که اجازه نمی‌دهد که از اموال دولتی زمینی رایگان جهت بنای مسجد واگذار شود، در حالتیکه اجازه می‌دهد که از اموال شهرداری زمینهائی جهت تئاتر و سینما رایگان واگذار شود. من نمی‌دانم که این وزیر محترم! راست می‌گفت یانه؟ ولی بهرحال گفتار او نشان می‌داد که تا چه اندازه در برابر ساختن مسجد در زمینی که بخود مسجد تعلق دارد مقاومت می‌کنند. باز در یک روزنامه رسمی خواندم که یک حکومت که بنام حکومت اسلامی هم شناخته می‌شود، مبلغی در حدود پانصد و چهل میلیون تومان به منظور ساختن استخرهائی مختلط برای پسران و دختران در نواحی مختلف اختصاص داده است، و در همان وقت در یکی از شهرهای مذهبی برق مسجدی را به جهت بدهی آن مسجد قطع کردند، در حالتی که بدیهی مسجد باداره برق به دویست تومان نمی‌رسید! من از این قبیل داستانها و جریانات شگفت‌انگیز بسیار

دارم که آنها را خودم شخصا مشاهده کرده‌ام، یا از افراد مورد اعتماد شنیده‌ام، بطوری که اگر بخواهیم این جریانات را جمع‌آوری کنم کتابی در حدود پانصد صفحه یا بیشتر خواهد شد. آیا اینها همه دلیل کافی نیست بر اینکه کسانی که مساجد و حسینیه‌ها را می‌سازند و با برنامه‌های اسلامی این مراکز را آباد می‌کنند مردانی قهرمان هستند؟ خداوند به اینگونه افراد پاداش نیکو عطا فرماید، و در میان مسلمانان امثالشان را زیادتر کند، و به آنان ثواب مجاهدین راه اسلام را عنایت فرماید، و دادن این ثواب هم برای خداوند گران نخواهد بود. من بنوبه خود از صمیم قلب اینگونه بانیان خیر را دوست دارم، آنان را سزاوار تقدیر و احترام می‌دانم، و همیشه به مردم سفارش می‌کنم که بااینگونه افراد همکاری کنند، و از آنان احترام نمایند، و زحمات آنان را قدردانی کنند. در حدیث شریف وارد شده است که: (من بنی مسجدا بنی‌الله له بکل شبر مدینهٔ فی‌الجنهٔ مسیره اربعین الف عام). یعنی: (هرکس مسجدی بسازد خداوند در برابر هر وجبی از آن مسجد در بهشت برای او شهری بنا کند که سیر چهل هزار سال راه باشد). اما حسینیه‌ها، این مراکز نیز بناهائی است اسلامی که برای احیاء اسلام و فضیلت برپا شده است، بنا بر این مؤسسین و بانیان این بناها و کسانی که رهبری صحیح این مراکز را به عهده دارند از ثواب مذکور در این حدیث شریف برخوردار خواهند بود: (من سن سنهٔ حسنهٔ فله اجرها و اجر من عمل بها) یعنی: (هرکس سنت نیکوئی بپا دارد، پاداش آن عمل که انجام داده و پاداش عمل کسانی که طبق آن سنت عمل می‌کنند باو خواهند داد). همانگونه که مشمول رحمتی که در این حدیث شریف آمده است خواهند شد که فرمودند: (رحم‌الله من احیا أمرنا). یعنی: (خداوند رحمت کند کسی که امر ما را زنده سازد) علاوه بر اینها اینگونه افراد در زمره (پاسداران حدود الهی) و (آمرین به معروف) و (نهی از منکر کنندگان) و (ارشاد کنندگان افراد نادان) و (کمک کنندگان به نیکی و پرهیزکاری) قرار دارند. خلاصه یکی از اعمالی که جدا بسیار خوب است آن است که افراد نیکوکار در ساختمان مساجد و حسینیه‌ها بسیار بکوشند، و صاحبان و بانیان اینگونه بناهای خیریه را با مال و هرنوع مساعدتی تشویق کنند، و از آنان بهر راهی که می‌توانند دفاع کنند. انگیزه نگارش این رساله: اما انگیزه نگارش این کتاب این بود که در سرحد امکان استفاده‌هائی که از این دو پایگاه مهم مذهبی می‌توان نمود در این کتاب تشریح کنیم، تا بتوانیم ازاین دو پایگاه بزرگ هرچه بیشتر اسلام و ایمان و فضیلت و تقوی را گسترش دهیم، و به مردم علم و عمل بیاموزیم. زیرا آن اندازه‌ای که معمولا از این دو پایگاه مهم استفاده می‌شود کمتر از آن حدی است که می‌باید استفاده نمایند، بلکه می‌توان گفت: که میزان استفاده از این مراکز حتی باندازه یکصدم هم نمی‌باشد. بنا بر این بسیار لازم است که ما باین موضوع بیشتر اهمیت بدهیم تا در حد ممکن از این نیروی معنوی به منظور پایه‌گذاری زندگی سعادتمندانه‌ای استفاده کنیم، تا بتوانیم ملتی رشید و پیشرفته بسازیم، که از خیر دنیا و آخرت برخوردار باشند. ضمنا باید دانست اقداماتی که دراین کتاب یادآوری می‌کنیم کارهای سختی نیست، زیرا اگر همکاری در بین باشد و مردم تبلیغ شوند، و در هر مسجد یا حسینیه‌ای جمعیتی ولو متشکل از سه نفر همکاری نمایند این رسالت مذهبی بخوبی انجام خواهد گرفت، و حتی ممکن است این سه نفر عبارت باشند از متولی مسجد و حسینیه و دو نفر از نزدیکان و دوستانش. این را هم باید گفت که: آنچه را که ما در این جزوه یادآوری می‌کنیم پاره‌ای از رسالت مسجد و حسینیه است که ما بتناسب اوضاع و احوال به آن اکتفاء می‌کنیم. از درگاه الهی مسئلت داریم که همگان را توفیق عنایت فرماید که موجبات رضایت پروردگار را فراهم سازند، آری توفیق و یاری باید از او برسد.

کویت ـ محمد بن المهدی الحسینی الشیرازی

مسجدها، حسینیه‌ها

مسجدها.. حسینیه‌ها..

۱ ـ نماز جماعت

مسجدها در درجه اول برای نماز جماعت تأسیس می‌شوند، و حتی از حسینیه‌ها نیز باید استفاده نماز جماعت نمود، در ابتدای امر نباید توجهی به تعداد نمازگزاران داشت، فرض کنید که در ابتداء مسجدی یا حسینیه‌ای سه نفر نمازگزار داشته باشد، مگر رسول خدا (ص) در ابتدای شروع به نماز جماعت خودش و امیرالمؤمنین علی (ع) نبود، که پس از چندی خدیجه ام‌المؤمنین هم به آنان پیوست، و سپس جعفر طیار نیز به دستور پدر بزرگوارش حضرت ابوطالب مؤمن قریش به آنان پیوست؟ در صورتی که فرض کنیم امام جماعتی با دو نفر مأموم در مسجد یا حسینیه‌ای به نماز جماعت مشغول شوند، در طول سال در اوقات سه‌گانه صبح و ظهر و مغرب از این پایگاه مذهبی یک هزار و پانصد و شصت خدمت اسلامی انجام گرفته، علاوه بر اینکه نماز عید فطر و عید قربان و نماز آیات و نماز باران در صورت لزوم و نمازهای مستحبی ماه مبارک رمضان، و نوافل روزانه نیز بر آن افزوده خواهد شد، و علاوه بر خواندن نمازها اذان و مناجات در اوقات سه‌گانه و در سحر و افطار ماه مبارک رمضان، و شبهای جمعه، و اعیاد مذهبی که همگی روی‌هم نزدیک به (۳۲۵۰) خدمت اسلامی خواهد بود. بد نیست به همین مناسبت یادآوری کنم، به نظر من اگر در آپارتمانها و ساختمانهای چند طبقه خواستند مسجدی ایجاد کنند، یا حسینیه‌ای تأسیس نمایند خود مسجد یا حسینیه و یا پرچم و علامت آن را در طبقه فوقانی قرار دهند، تا مسجد و حسینیه از سایر بناهای مجاور از قبیل بانگها و سایر مؤسسات و ادارات پائین‌تر قرار نگیرد. زیرا خداوند می‌فرماید: (فی بیوت اذن‌الله ان ترفع)(۱) (یعنی: (در خانه‌هائی که خداوند دستور رفعت آنرا داده است) و در این باره ما در بعضی از کتب فقهی خود یادآوری کرده‌ایم که (ترفع) مطلق است و شامل رفعت ظاهری و معنوی هردو خواهد شد. و به نظر من بسیار خوب است شعائر مذهبی که در مساجد و حسینیه‌ها برگذار می‌شود، با وسائل مختلف اعلان شود و به تمام مردم برسد، زیرا خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: (و اذن فی‌الناس بالحج)(۲) یعنی: (در میان مردم اعلان حج کن) و به همان ملاک که اعلان حج پسندیده است و خداوند به آن فرمان داده است، اعلان شعائر مذهبی هم عملی است بسیار خوب. و در سیره رسول خدا (ص) می‌بینیم هرگاه کاری داشتند که می‌خواستند به مردم برسانند، به منادی خود دستور می‌فرمودند که آن مطلب را در میان مردم اعلان کند. امیرالمؤمنین هم به فرزند خود وصیت می‌فرمایند: (بنی اذا کنت فی بلدهٔ فعاشر بآداب اربابها). یعنی: (فرزندم در هر شهری که بودی طبق آداب مردم آنجا زندگی کن)(۳). و از طرفی امروزه جزء آداب مردم زمان ما است که هرکس برای خود با وسائل ارتباط جمعی مطالب خود را اعلان و تبلیغ می‌کند.

۲ ـ سخنرانی و روضه خوانی

حسینیه‌ها به منظور ایراد سخنرانیهای مذهبی و بیان مواعظ و ارشاد مردم، و خواندن روضه و مدح و مصیبت دایر شده است، البته باید از مساجد هم اینگونه استفاده‌ها برده شود زیرا رسول خدا (ص) در مسجد روی منبر از جعفر بن ابی‌طالب یاد کرد و مصیبت او را بیان فرمود. و فاطمه زهرا علیهاالسلام هم در اطاق پدرش رسول اکرم (ص) که جزء مسجدالنبی است این اشعار را در مصیبت پدر انشاء فرمودند که مشهور است: ماذا علی من شم تربهٔ احمد ان لا یشم مدی الزمان غوالیا صبت علی مصائب لو أنها صبت علی الایام صرن لیالیا یعنی: (کسی که خاک قبر احمد (ص) را بوئیده است، اگر در طول عمرش هیچ عطری را نبوید بر او ایرادی نخواهد بود. مصیبتهائی بر سر من آمده است که اگر آنها را بر سر روزها بریزند تبدیل به شب خواهد شد). و نیز بشیر در مدینه

کنار قبر رسول خدا (ص) یاد از مصیبت حضرت حسین (ع) کرده این اشعار را خواند: یا اهل یثرب لا مقام لکم بها قتل الحسین فادمعی مدرار یعنی: (ای مردم مدینه! دگر مدینه جای اقامت ندارد، زیرا حسین کشته شد، از این پس بسان ابر بگریید). اگر خواندن مصیبت در مسجد ایرادی داشت امام زین‌العابدین او را منع می‌کرد، نه تنها مانع او نشد، بلکه خود حضرت به او دستور داده بود که در مسجد این اشعار را بخواند. سخنرانی و بیان مواعظ در مساجد که رفتار رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین و فرزندانش علیهم‌السلام بود. بنا بر این مساجد و حسینیه‌ها در اینکه محل طبیعی روضه خوانی و وعظ و ارشاد هستند باهم مشترک می‌باشند. پس اگر امام جماعت بعد از فراغت از هر نماز صبح و ظهر و شب ولو پنج دقیقه برای مردم موعظه کند در سال (۱۰۶۵) خدمت اسلامی انجام داده است، و چنانچه در حسینیه هر شب یک مجلس روضه دایر کند در سال (۳۵۵) خدمت مذهبی کرده است. و چنانچه بمناسبت شهادت رسول اکرم (ص) و فاطمه زهرا علیهاالسلام و یازده امام دیگر که بشهادت رسیده‌اند برای هرکدام سه روز مجلس برگزار شود در سال حداقل (۳۹) خدمت اسلامی صورت گرفته است. و در صورتی که بمناسبت ایام ماه مبارک رمضان و دو ماه محرم و صفر مجالسی جهت وعظ و ارشاد و روضه خوانی برقرار کند (۸۸) خدمت اسلامی انجام داده است، که جمعا یک امام جماعت در طول سال می‌تواند در یک مسجد یا یک حسینیه (۱۵۴۷) خدمت اسلامی انجام دهد. البته بسیار ضروری است که تمام حسینیه‌ها باید دارای پخش صدای مرتب باشد، و در قسمتی دستگاههای ضبط صوت مجهز داشته باشند که تمامی سخنرانیها و مواعظ اسلامی را ضبط کرده بطور مجانی یا به قیمت تمام شده در اختیار مردم بگذارند تا بدینوسیله از مواعظ و مراثی همگان بهره‌مند شده؛ در هر خانه و محلی نوارهای سودمندی در دسترس مردم یافت شود. ضمنا به حسینیه‌های بزرگ پیشنهاد می‌کنم که از وسائل مدرن روز استفاده کنند، بخصوص به منظور آنکه در تمام زوایا و غرفه‌های یک حسینیه بزرگ تمام مستمعین تصویر گوینده را ببینند، بد نیست که از تلویزیونهای مدار بسته برای این منظور استفاده کنند.

۳ ـ کتابخانه

رسالت اسلام گسترش ایمان و علم در میان مردم است، خداوند بزرگ در قرآن مجید می‌فرماید: (یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات)(۴) یعنی: (خداوند درجات رفیع را به کسانی از شما خواهد بخشید که دارای ایمان و دانش باشند). و در حدیثی آمده است: (احتفظوا بکتبکم، فانکم سوف تحتاجون إلیها). یعنی: (کتابهای خود را حفظ کنید که بزودی به آنها نیاز پیدا می‌کنید). و در حدیث مشهور آمده است: (اذا مات ابن آدم انقطع عمله [امله] الا من ثلاث: علم ینتفع به، و ولد صالح یدعوله، و صدقهٔ جاریهٔ). یعنی: (انسان که مرد عملش [امیدش] بریده می‌شود جز از سه چیز: ۱ ـ دانشی که از آن استفاده شود. ۲ ـ فرزند شایسته‌ای که برایش دعا کند. ۳ ـ صدقه جاریه‌ای که پس از او بماند. و در حدیث دیگر آمده است: (مداد العلماء افضل من دماء الشهداء). یعنی: (مرکب قلم دانشمندان بیش از خون شهداء ارزش دارد). پس با توجه به این حقیقت لازم است که مساجد و حسینیه‌ها دارای کتابخانه‌هائی برای مطالعه مردم باشند، زیرا وجود کتابخانه در اینگونه مراکز عمومی موجب رشد سطح فرهنگی جامعه خواهد شد، و هر اندازه که به تعداد کتابخانه‌های یک شهر افزوده شود بهمان اندازه سطح دینی و دنیوی مردم بالا خواهد رفت، زیرا که خیر دنیا و آخرت در علم و دانش است، همانگونه برعکس نکبت دنیا و آخرت یک ملت در جهل و نادانی افراد آنست. و روی همین حساب من به تمام دوستان خودم توصیه کرده و می‌کنم که همگی در منزل خود کتابخانه داشته باشند، زیرا علاوه بر اینکه وجود کتابخانه در یک منزل اعضاء خانواده را وادار به مطالعه می‌کند، خدمت بزرگی بجهان علم و دانش نیز هست، زیرا خریداری کتاب موجب تشویق مؤلفین، ناشرین، چاپخانه‌ها، صحافیها، و دیگر وسائل و عوامل نشر کتاب خواهد شد. اداره کتابخانه را ـ اگر کوچک باشد ـ می‌توان به خادم مسجد و حسینیه، یا بعضی از اعضاء کتابخانه سپرد، و بهتر است در تمام ساعتهائی

از شب و روز که مردم بیدار هستند کتابخانه هم باز باشد، و چنانچه این اندازه ممکن نشد باید به اندازه‌ای که ممکن است شبانه روز چند ساعت که با وقت مطالعه اکثریت مردم مناسبت دارد کتابخانه باز باشد، (و ساعتهائی که کتابخانه باز است برای اطلاع مردم اعلان شود). و لازم است که جزء برنامه کتابخانه کتاب امانت دادن بخوانندگان باشد، و برای کتابخانه‌های بزرگ لازم است که مجهز به دستگاههای فتوکپی و عکسبرداری باشد، که در صورت لزوم از هرکتابی که بخواهند فیلمبرداری کنند(۵). اگر در تمام سال ـ به استثنای روزهای تعطیل که فرض کنیم۲۵ روز باشد ـ کتابخانه باز باشد، این عمل موجب خواهد شد که ما از راه کتابخانه هر سال (۳۳۰) خدمت اسلامی انجام داده باشیم. و اگر آمار مطالعه کنندگان را در سال در نظر بگیریم و مطالعه هر انسانی را یک خدمت اسلامی بحساب بیاوریم آمار خدمات اسلامی ما بسیار بیشتر بالا خواهد رفت.

۴ ـ برگزاری مجالس جشن

از جمله خدمتهای اسلامی که در مساجد و حسینیه‌ها باید برگزار شود مجالس جشنی است که به مناسبت تولد حضرت رسول (ص) و حضرت زهرا علیهاالسلام و امامان دوازده‌گانه علیهم السلام باید تشکیل شود، و نیز می‌توان بمناسبت زادروز بزرگان دین و علم مانند علماء و وعاظ، افراد نیکوکار، جشن تولد گرفت، یا بعنوان یاد بود سرداران، فاتحین و مکتشفین و مؤسسین بزرگ مانند سید رضی و شیخ طوسی و علامه حلی و... مجالس بزرگداشت در مساجد و حسینیه‌ها ترتیب داد. و نیز می‌توان مجلس جشن ازدواج، مجلس توديع حجاج، يا برنامه استقبال زائران اعتاب مقدسه، و حتی جشنهای ختنه‌سوران جشن تولد افراد و از این قبیل جشنها را در مساجد و حسینیه‌ها گرفت زیرا تمام این جلسات، جشنها و اجتماعات یا یک عمل اسلامی است، که مصداق (یفرحون لفرحنا) می‌باشد، یا اینکه به خاطر یک عمل اسلامی برگزار می‌شود مانند جشن بازگشت حجاج، و بدرقه و استقبال زوار و... که بطور طبیعی محل برگزاری اینگونه اجتماعات اسلامی خانه خدا مسجدها، و خانه‌های اولیاء خدا حسینیه‌ها است. بدین ترتیب اگر فرض کنیم که: ۱ ـ بمناسبت تولد معصومین علیهم‌السلام در سال ۱۴ مجلس گرفته شود. ۲ ـ بمناسبت جشن ازدواج در سال ۴ مجلس. ۳ ـ بمناسبت توديع و استقبال حجاج و زائرين ۱۲ مجلس. ۴ ـ بمناسبت ختنه سوران ۱۲ مجلس. ۵ ـ بمناسبت جشن تولد افراد ۲۰ مجلس گرفته شود. رویهم در سال ۶۲ خدمت اسلامی انجام گرفته است. اما باید اینگونه مجالس کاملا منزه از هرنوع رفتار خلاف باشد، و طوری برگزار شود که در آن احترام مسجد و حسینیه کاملاـ رعایت شود، و نیز در جلساتی که بمناسبت جشن تولد معصومین علیهم‌السلام گرفته می‌شود باید سعی کنند که تنها به نقل تاریخ اکتفاء نشود، بلکه بتناسب پیشرفتهای علمی روز از مقامات علمی معصومین علیهم‌السلام بیان گردد، و حضار مجلس را وادار به پیروی از ارشادات آنان کنند، زیرا مجالسی که بنام بزرگان گرفته می‌شود فایده‌اش در آن است که مردم آن شخصیت را بعنوان الگوئی برای زندگی خود بشناسند و از راه و روش او پیروی کنند. همانگونه که جلسات توديع و استقبال حجاج و زائران اماکن مقدسه، و جشن ازدواج و دیگر جشنها هم خاصیتش آنستکه جامعه پیشرفت کند بدینوسیله مردم بسوی فضائل انسانی و کارهای نیک سوق داده شوند. و نیز مناسب است که جشنهای مذهبی، و همچنین مجالس سوگواری و ارشاد با پرچمها و پرده‌ها، و پلاکاردهای مناسبی تزئین شود، و در این جلسات اگر بتوانند با تهیه و تدارک قبلی نمایشها و بلکه فیلمهای آموزنده مذهبی توجه شرکت کنندگان را هرچه بیشتر جلب کنند، و با پخش قطعه‌های کلمات قصار و نشریات سودمند هرچه بیشتر از شرکت کنندگان پذیرائی نمایند. و خلاصه جشن مذهبی باید علاوه بر شادی و سرور یک جلسه آموزنده و ارشادی باشد، البته همانطور که قبلاـ اشاره شد بوسیله ضبط صوت، و دستگاههای فیلم برداری از نمایشها و گفتارها و برنامه‌های مختلف مجلس صدا برداری و فیلم برداری کنند که بعدها هم مورد استفاده قرار گرفته تکثیر شود.

۵ ـ نشریات مفید

در یکی از جنگهای اسلامی، پس از آنکه رسول خدا (ص) عده‌ای از دشمنان را به اسارت درآورد، آن دسته از اسیران جنگی را که سواد داشتند مخیر فرمود که اگر بخواهند برای آزاد کردن خودشان یا مقدار معینی از مال و ثروت خود را بدهند، یا اینکه در مقابل با سوادکردن ده نفر از مسلمانان که به آنان خواندن و نوشتن یاد بدهند آزاد شوند. حضرتش با این اقدام آموزنده خود اهمیت سواد خواندن و نوشتن را به مسلمانان آموخت، و لذا یکباره سواد خواندن و نوشتن در میان جزیرهٔالعرب جهش کرد، به طوری که پیش از بعثت حضرت در سرتاسر جزیرهٔالعرب تنها ده نفر انگشت شمار بودند که سواد خواندن و نوشتن داشتند ولی در زمان حضرت رسول (ص) تعداد افراد باسواد جزیره اگر نگوئیم به هزاران نفر رسید دست کم به صدها نفر افزایش یافت. تا اینکه می‌بینیم کار پیکار با بیسوادی حضرت بجائی می‌رسد که می‌بینیم در زمان حضرت رضا (ع) در میان استقبال کنندگان حضرت تنها از شهر نیشابور بیست و چهار هزار نفر (۲۴۰۰۰) دانشمند هستند که قلم و کاغذ در دست دارند، تا از حضرت حدیث یادداشت کنند! که حتی دنیا در این عصر علم و دانش هم هنوز به این پایه نرسیده است. بنا براین با الهام گرفتن از دستورات اسلام به منظور بالا بردن سطح فرهنگ مسلمانان باید مساجد و حسینیه‌ها همیشه دارای نشریه‌های دیواری هفتگی، یا دو هفته یک نشریه، یا حداقل ماهی یک نشریه داشته باشند، که در داخل و خارج از مسجد در محل معینی نصب شود تا عابرین و مراجعه‌کنندگان از آن استفاده کنند، و بر معلومات مذهبی و اطلاعات علمی آنان افزوده شود. البته معلوم است نشریات باید دارای مطالب متنوعی در باره: ۱ ـ اصول دین، فروع دین، تفسیر قرآن، تاریخ اسلام. ۲ ـ فضائل اخلاقی و رذائل اخلاقی. ۳ ـ واجبات و محرمات. ۴ ـ و مطالبی به مناسبت جشنهای تولد، اعیاد اسلامی و وفیات بزرگان اسلام بوده. ۵ ـ و علاوه بر مطالب فوق باید نشریات شامل مطالب علمی، از اختراعات و اکتشافات عصری، و طرح معماها و پرسشهای مذهبی و راهنمائیهای عمومی و مسابقات هم باشد. و چنانچه امکان داشته باشد نشریه چاپ شده مانند یک نشریه هفتگی میان نمازگزاران و اعضاء مسجد و دیگران و حسینیه توزیع شود، تا از نشریه افراد بیشتری استفاده کنند. حال اگر فرض کنیم که نشریه دو هفته یکبار منتشر شود، بدین وسیله متصدیان هر مسجد یا حسینیه توانسته‌اند سالیانه (۲۴) خدمت اسلامی انجام دهند.

۶ ـ جلسات مذهبی

در جلسات مذهبی مساجد و حسینیه‌ها معمولا باید پیرامون موضوعات گوناگون اسلامی بحث و سخنرانی ایراد شود: ۱ ـ گاهی جلسات مذهبی به صورت سخنرانی است که عده‌ای از جوانان گردهم جمع می‌شوند، و یک نفر یا چند نفر از آنان در باره موضوعات اسلامی، مانند اصول دین، اقتصاد اسلامی، سیاست اسلامی، خانواده در اسلام، حقوق کارگران و کشاورزان در اسلام و. و. بحث می‌کنند و دیگران گوش می‌دهند. ۲ ـ گاهی جلسه مذهبی به صورت پرسش و پاسخ است که شرکت کنندگان در جلسه پرسشهائی مطرح می‌کنند، و مدیر جلسه یا عالم و روحانی مسجد بپرسشهای مذهبی آنان پاسخ می‌دهد، و ضمن اینکه پرسش کننده پاسخ خود را دریافت کرده است، دیگران هم استفاده می‌کنند. ۳ ـ گاهی جلسه مذهبی هردو برنامه فوق را همراه با هم در بر دارد، بدین ترتیب که پس از ایراد سخنرانی مذهبی بوسیله سخنران جلسه، حاضران پیرامون موضوع بحث شده در سخنرانی یا هر نوع پرسش دیگری که دارند سئوالات خود را طرح و پاسخ خود را دریافت می‌دارند. فائده این جلسات مذهبی آن است که جامعه اسلامی با اطلاعات و معلومات مذهبی مجهز شده مردم وادار می‌شوند که در باره امور دینی خود پرسش کنند، و ضمنا برای رهبران مذهبی معلوم می‌شود که مردم به چه موضوعاتی بیشتر احتیاج دارند. اگر فرض کنیم که در هفته یک جلسه با این برنامه

برگزار شود در سال (۵۰) جلسه دائر شده و پنجاه خدمت مذهبی دیگر بر آمار خدمات مذهبی مسجد و یا حسینیه افزوده خواهد شد. و چنانچه مقدور باشد و بحثهای این جلسات و پرسش و پاسخهای ایراد شده را پس از اصلاح و ترتیب و تهذیب چاپ کنند فائده جلسه بسیار بیشتر خواهد شد. بهتر آن است که جلسات با قرائت قرآن مجید شروع شود، و چنانچه وقت جلسه ایجاب کند تمام شرکت‌کنندگان به صورت دوره هرکدام چند آیه زیر نظر استاد قرائت تلاوت کنند. و بسیار مناسبت است که برنامه دوره قرآن را در ابتدای هر جلسه مذهبی که بهر مناسبتی تشکیل می‌شود قرار دهند، تا تعلیم قرآن در سطح وسیعتری اجراء گردد، و هرچه تلاوت قرآن بیشتر باشد بهتر است، زیرا قرآن نور و برکت است. و بهتر از همه چیز آنست که جلسات جنبه سازندگی و تربیت افراد در آن قوی‌تر باشد، و در اینگونه جلسات بجوانانی که استعداد سخنرانی و مقاله نویسی و کتاب نویسی دارند طرز سخنرانی و نویسندگی و اداره جلسات مذهبی را بیاموزند تا جلسه به صورت خشك و عقیم نمانده دارای تولیدهای ارزنده‌ای باشد، و استعدادهای افراد را رشد داده تولید مثل کند.

۷ـ دعا و زیارت

مسجدها و حسینیه‌ها بهترین محل برای خواندن دعاها و زیارتها است، بنا بر این مناسب است که: هر روز صبح در این اماکن دعای صباح خوانده شود. و هر شب جمعه دعای کمیل بخوانند. و هر روز جمعه صبحها دعای ندبه بخوانند. و عصرهای جمعه دعای سمات بخوانند. و دعاهای مناسب در روزهای مخصوص بخوانند مانند دعای افتتاح در اول شبهای ماه مبارك رمضان، و دعای سحر در سحرهای ماه مبارك، و دعاهای روزانه در روزهای ماه رمضان، و دعای عرفه، دعای عید و دعاهائی مناسب شبها و روزهای مخصوص سال. و مناسب است که در این اماکن زیارتهای وارده در اوقات مناسبش بخوانند مانند مخصوص امیرالمؤمنین در روز عید غدیر، و زیارت عاشوراء امام حسین‌در روز عاشوراء و ازاین قبیل زیارتهای مخصوصه. و اگر ممکن باشد هنگام خواندن زیارتهای مخصوص و دعاها، مردم را هم در مسجد و یا حسینیه جمع کنند بهتر است، و این امور رویهم رفته تقریبا در سال (۷۰۰) خدمت اسلامی است: دعای صباح (۳۵۵) خدمت اسلامی. دعای کمیل (۵۰) خدمت اسلامی. دعای سمات (۵۰) خدمت اسلامی. دعای ندبه (۵۰) خدمت اسلامی. دعاهای ماه مبارك رمضان (۹۰) خدمت اسلامی. سایر دعاها و زیارتهای گوناگون (۱۰۰) خدمت اسلامی. و نیز مناسب است که دعاهای رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین علیهم‌السلام در مناسبتهائی خوانده شود، و مخصوصا برنامه‌ای برای خواندن صحیفه سجادیه باشد، زیرا دعاء و زیارت خود مکتبی است عالی که به مردم اصول عقاید، فروع دین، اخلاق و آداب و معارف دینی آموخته، علاوه بر آن ضمن تعلیم حقایق و معارفی یک نوع تربیت روحی و ایجاد خشوع و ارتباط با پروردگار بزرگ و پیشوایان دین است.

۸ـ درس و تألیف و تشکیل هیئت‌ها

درسهای دینی احتیاج به مدارسی دارد گاهی در شهری یا محله‌ای مدرسه یافت نمی‌شود، یا اینکه مدرسه هست ولی محصلین علوم دینی زیاد هستند و مدرسه کافی نیست، یا مدرسه از منطقه دور است و در نزدیکی محصلین مسجد یا حسینه‌ای وجود دارد. بهر حال یکی از خدمات اسلامی متصدیان مساجد و حسینیه‌ها این است که مردم و طلاب علوم دینی را به فرا گرفتن علوم دینی و مادی تشویق کنند، تا مردم علومی را مانند اصول دین، تفسیر قرآن، تاریخ اسلام، و یا مسائل فقهی و... را در مساجد و حسینیه‌ها فرا گیرند. و متصدیان مساجد و حسینیه‌ها در این مراکز دینی را به روی طالب علوم دینی و مردم باز کنند، تا به تعلیم و تعلم و بحث و

تألیف و مطالعات اسلامی بپردازند، و از مساجد و حسینیه‌ها بجای مدرس و کلاس درس استفاده کنند. خلاصه هرکس از هر صنف و طبقه‌ایکه بخواهد در مسجد و حسینیه برنامه درس و بحث دینی و علمی دایر کند چه طلبه باشد، چه دانشجو و محصل، چه اداری، چه آموزگار و چه وکیل و قاضی مناسب است که در مساجد و حسینیه‌ها را بروی آنان باز کنند تا به اشتغال علمی خود بپردازند. همچنین در مساجد و حسینیه‌ها سزاوار است که هیئتهای گوناگون مذهبی تشکیل دهند، هیئت عبارت است از جماعتی از مردم که به منظور یک هدف دینی باهم تشریک مساعی می‌کنند. ۱ ـ مانند هیئت ازدواج که به منظور تشویق جوانان به امر ازدواج و فراهم کردن تسهیلاتی برای آنان تأسیس می‌شود. ۲ ـ هیئت کاریابی به منظور کار پیدا کردن برای افراد بی‌کار. ۳ ـ هیئت قرض الحسنه، به منظور وام دادن به افراد محتاج. ۴ ـ هیئت ارشادی به منظور حل مشکلات گوناگون مردم، و راهنمائی و یاری کردن در رفع گرفتاریهای آنان و... اگر فرض کنیم که در سال دویست جلسه درس در یک مسجد یا حسینیه دایر شود، و حداقل پنج جلد کتاب تألیف شود، و آنجا دو هیئت از هیئتهای خیریه مزبور دایر شود که هریک از آن دو هیئت در ماه دوبار تشکیل جلسه دهند، رویهم (۲۵۵) خدمت اسلامی از این جهت انجام خواهد شد.

۹ ـ نمایشهای اسلامی

نمایشهای اسلامی از بهترین وسیله‌ها برای نشر اسلام است، بطوری که مثل معروفی شده است که می‌گویند: (یک تصویر گویا بهتر از هزار کتاب اثر دارد)، نمایش هم عبارتست از همان شبیه خوانی که علماء به استحباب آن فتوا داده‌اند(۶). نمایش اسلامی گاهی یک نمایش تاریخی است مانند نمایش جنگ بدر، یا جریان روز عاشوراء، و گاهی نمایش اخلاقی و گاهی دینی است مانند نمایش حجاج و روزه داران، گاهی نمایش اجتماعی است، گاهی بهداشتی است، گاهی علمی و فرهنگی است و حسینیه‌ها بهترین مکان برای اینگونه نمایشهای اسلامی است، سابق در مساجد و حسینیه‌ها شبیه‌خوانی می‌کردند، و تابحال هم شبیه‌خوانی در مراقد ائمه اطهار علیهم‌السلام و در مسجد کوفه و جاهای دیگر دایر می‌شود. ولی لازم است که بسیار کوشش کنند تا نمایشها کاملا مطابق اخبار و تواریخ معتبره باشد، و نیز باید نمایشهای اسلامی زیر نظر افراد وارد به فن نمایش ترتیب داده شود تا هرچه جالبتر تهیه گردد و بیشتر در تماشاچیان تأثیر گذارد، و هدف را بهتر تأمین کند. اگر فرض کنیم که در یک مرکز نمایشهای اسلامی در دو ماه یکبار سه شب یا سه روز نمایش داده شود در سال (۱۸) خدمت اسلامی انجام خواهد گرفت، و چه بسا که تأثیر نمایش بسیار زیاد باشد. و چه بهتر اگر همین نمایشهای اسلامی را فیلمبرداری کنند، و در جشنها و جلسات مذهبی این فیلمها را در معرض تماشای مردم بگذارند، فرض کنیم در سال شش بار هم فیلم نمایشهای اسلامی را بدهند. و چه بسیار بهتر اگر این فیلمها را تکثیر کنند و کپیه آن را در مراکزی بفروش برسانند. یا بمؤسسات و هیئتهای مذهبی دیگری مجانی اهداء کنند. و چنانچه فرض کنیم که از فیلم هر نمایشنامه‌ای سالیانه بیست نسخه بفروش برسد، در هر سال یکصد و بیست خدمت اسلامی انجام گرفته است. و نیز اگر همین نمایشهای اسلامی به صورت نمایشنامه‌هائی جالب نوشته شود، چاپ و نشر آن موجب تکثیر نمایشهای اسلامی شده، تأثیر بسزائی در جامعه اسلامی خواهد گذاشت، و بدین ترتیب خدمت دیگری از نوع نگارش بر آمار خدمات اسلامی مساجد و حسینیه‌ها افزوده خواهد شد.

۱۰ ـ فایده‌های دیگر

علاوه بر خدمات اسلامی گذشته ممکن است در مساجد و حسینیه‌ها خدمات اسلامی دیگری از این قبیل انجام گیرد: ۱ ـ مجالس

ترحیم، شب هفت، چهلم، سال روز درگذشت اموات. ۲ ـ پیدا کردن گم شده‌ها، ولی درخارج از مسجد. ۳ ـ فروختن کتاب، نوارهای مذهبی، فیلمهای نمایش و چیزهائی که مربوط به دین و متدینین است، باز در خارج از مسجد. ۴ ـ اطعام نمودن در حسینیه‌ها، و در سالنهای دیگر مساجد. ۵ ـ گردآوری اعانه‌ها برای مؤسسات و خدمات اسلامی مسجد و حسینیه، به صورت نصب صندوقها و درخواست کمک نمودن از افراد خیّر در اجتماعات بزرگ در مناسبتهای مختلف و مجالس گوناگون. ۶ ـ تهیه وسائل آگهی بوسیله مقالات و تصویرها. ۷ ـ دعوت مردم برای انجام امور مذهبی، مانند اینکه مردم را برای امور حج، یا زیارت، یا بنای مسجد و خودیاری در امور ساختمانی مسجد و حسینیه جمع کنند. ۸ ـ جمع‌آوری کتاب در مسجد برای کتابخانه، یا پوشاک و غذا و دوا و اجناسی مانند آن برای افراد بی‌بضاعت، یا آسیب دیدگان در حوادث و یا جنگ زدگان. ۹ ـ استفاده از مساجد و حسینیه‌ها برای اسکان زائران و حجاج در مدتی که در شهری سر راه توقف دارند، و نیز در شهرهای مذهبی مانند مدینه، مکه، کربلاء، نجف، خراسان، قم، کاظمین، سامراء و دیگر شهرهای زیارتی و مذهبی زوار می‌توانند از مساجد و حسینیه‌ها استفاده کنند، و چند شبی که هستند آنجا اقامت نمایند. ۱۰ ـ تشکیل کنفرانسهای مختلف مذهبی، و از این قبیل استفاده‌های دینی که می‌توان از مساجد و حسینیه‌ها نمود، و فرض کنیم که در هر سال از اینگونه خدمات اسلامی هم (۶۴۰) مورد استفاده شود. بدین ترتیب تنها یک حسینیه، و یا یک مسجد می‌تواند سالیانه طبق آمار و ارقامی که عرضه شد حدود هفت هزار (۷۰۰۰) خدمت اسلامی انجام دهد، تنها این رقم برای یک مسجد خدمت بسیار بزرگی است، حال اگر این رقم را در تعداد مساجد و حسینیه‌های موجود در یک منطقه یا یک استاد و یا یک شهر بزرگ ضرب کنیم، حاصل ضرب آن رقم بسیار بزرگی خواهد بود (که ادامه آن در ظرف مدت چند سال می‌تواند تأثیر بسیار محسوسی در پیشرفت امور مذهبی یک منطقه بگذارد). علاوه بر اینها اگر گردانندگان هر مسجد یا حسینیه بتوانند از مساجد و حسینیه‌ها بلندگوهائی به منازل و مراکز تجمع اطراف مسجد سیم کشی کنند، تا در مواقع تبلیغی و برگزاری جلسات مردم بیشتر استفاده کنند دامنه فعالیت آنان گسترش یافته، آمار خدمات مذهبیشان بالا خواهد رفت. همانگونه باید مجالس مذهبی را در خانه‌ها هم گسترش داد، که در هر مناسبت دینی و دهه‌های سالیانه و مجالس هفتگی در منازل تشکیل شود. در اینجا دو پرسش خودنمائی می‌کند: اول ـ انجام خدمات اسلامی گذشته احتیاج به بودجه دارد، زیرا گردانندگان این برنامه‌ها، و خود برنامه‌ها و خدمات مذهبی احتیاج به بودجه دارند، این بودجه را از کجا باید تأمین کرد؟ جواب این پرسش: می‌توان بودجه‌های لازمه را از راههای ذیل تهیه نمود: ۱ ـ موقوفاتی که برای هر مسجد و حسینیه هست. ۲ ـ بودجه هائی که از حکومتهای صالحه برای اینگونه خدمات می‌توان دریافت نمود. ۳ ـ اموالی که از افراد خیراندیش و بوسیله همین برنامه‌ها می‌توان تهیه کرد. ۴ ـ از وجوهات شرعیه مانند زکات، سهم امام. دوم ـ پیشنهادهائی که در این کتاب گذشت احتیاج به تنظیم و طرح‌ریزی و برنامه‌ریزیهائی دارد، این طرح‌ها و نقشه‌ها از کجا بدست آید؟. جواب: هیئت مدیره هر مسجد و حسینیه باید به تنظیم و برنامه‌ریزی این فعالیتهااقدام کند، زیرا نظم موجب دوام و قوام جهان است، و شرع مقدس اسلام هم به ما دستور داده است که کارهای خود را منظم سازیم. حضرت علی در نهج‌البلاغه شریف می‌فرماید: (و نظم امرکم) یعنی: (بر شما باد که امور خود را منظم سازید). اگر ما بخواهیم بدون نظم و برنامه رفتار کنیم، از قافله جهان عقب خواهیم افتاد، و زمام امور را کسانی بدست خواهند گرفت که در کارهای خود نظم برقرار می‌سازند، و از طرفی مورد سرزنش اولیاء اسلام قرار خواهیم گرفت و حساب بی‌نظمی و خسارتهای ناشی از آن را از ما خواهند کشید. در حدیث آمده است که: (این دنیا حلالش حساب، حرامش عقاب، و شبهاتش سرزنش دارد). از درگاه خدای سبحان مسئلت داریم که ما را موفق بدارد تا کارهائی که مورد پسند او است انجام دهیم، و در راه خدمت به دینش مارا یاری کند، و مؤمنین را عزیز و سربلند سازد، اینها برای خدا سخت نیست، یاری و توفیق تنها از او ساخته است.

۱ ـ سوره نور: آیه۳۶ . ۲ ـ سوره حج: آیه۲۷. ۳ ـ منظور از آداب و رسومی است که رعایت آن از نظر مذهب اشکالی ندارد. ۴ ـ

سوره مجادله: آیه۱۱. ۵ ـ و چنانچه کتابخانه دارای کتب خطی و نسخه‌های کمیاب و منحصر بفرد باشد. می‌توانند از دستگاههای میکرو فیلم استفاده کنند و تمام کتابهای قیمتی را عکسبرداری کنند. ضمنا بسیار ضروری است برای کتابخانه‌هائی که در مراکز علمی و حوزه‌های علمیه است اطاقهای متعددی برای نویسندگان تهیه کنند و در هر اطاق فهرست کتابهای کتابخانه موجود باشد و این معنی در حوزه‌های علمی بسیار ضروری است که متاسفانه هنوز عملی نشده است (مترجم). ۶ ـ بجزوه فتاوی العلماء رجوع شود.

تجربیات من در منبر

تجربیات من در منبر

بسم‌الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب‌العالمین، والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین، و لعنهٔ‌الله علی اعدائهم اجمعین، انالله و انا الیه راجعون، و سیعلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون. امروز که مشغول نوشتن این کلمات هستم روز عاشورای حسین (ع) است، روزی که در آن باران سیل‌آسای اشک از دیدگان و قطرات خون از سرهای عاشقان حسینی فرو می‌ریزد، و پشتها در اثر ضربات زنجیر سیاه شده، کف پاها در اثر پابرهنه رفتن ورم کرده، و بدنها زیر تابش آفتاب سوزان خصوصا در کربلاء که هم‌اکنون من در آنجا هستم ـ تفتیده، هم‌اکنون شهر کربلاء به صورت یک محشر کوچکی در آمده است، و همه جا صدای شیون و داد و فریاد و گریه و زاری بلند است. امروز همگی در یک حالت غیر عادی هستند، مردم را چنان می‌بینی که گویا هرکدام از آنان یا یکی از عزیزترین کسان و یا عده‌ای از عزیزانشان را از دست داده‌اند، چگونه چنین حالتی را نداشته باشند با اینکه در اینروز خاطره غم‌انگیز شهادت کسی تجدید می‌شود که اختیار جان و مالشان در دست آنان است. زیرا پیامبر خدا (ص) در باره حسین (ع) فرموده است: (حسین ازمن است و من از حسینم) و معلوم است که رسول خدا (ص) در مورد مؤمنین اختیار جان و مال آنان را دارد(۱). در چنین روزی فرصت را مناسب دیدم که نسبت به منبر حسینی خدمت نموده باشم، منبر عالیترین و قویترین وسیله ایجاد موج غم و اندوه در عزای سرور شهیدان حسین بن علی شهید عاشوراء است، وگرنه در این روز اشتغال به هرکاری غیر از کارهای مربوط به حسین شهید شوم است. اما بعد در این جزوه تجربیاتی که در مورد منبر داشته‌ام جمع آوری می‌گردد، از ده سال پیش آماده شدم که روی منبر برای طلاب علوم دینی بحثهائی پیرامون اسلام داشته باشم، ضمنا پای منبر ما دانشجویان علوم جدیده و عده‌ای از کسبه نیز شرکت می‌جستند، و در هفته دو جلسه داشتیم، و ازاین تجربیات که مشاهده می‌کنید نتایج بسیار زیادی گرفته‌ام که اینک آنها را برای شما می‌نگارم. تا این تجربیات در راه ارشاد و تبلیغ موجب پیروزیها و موفقیتهای بیشتری گردد، و برای کسانی که در منبر مبتدی هستند و می‌خواهند مردم را براه حق و صراط مستقیم ارشاد کنند راهنمای مفیدی باشد. از درگاه الهی خواستاریم که این خدمت ناچیز را بپذیرد، و آنرا وسیله‌ای برای پیشبرد هدف ارشادی قرار دهد.

کربلاء مقدسه ۱۰ محرم ۸۷ قمری محمد بن المهدی الحسینی الشیرازی

۱ ـ توجه قلبی بسوی خدا

در منبرهای خود بخوبی درک می‌کردم که یکی از قویترین وسائل تأثیر سخن در مردم آن است که گوینده قلبا متوجه خداوند بزرگ شود، هنگامی که انسان قلبش متوجه خدا بود و با این حالت بالای منبر قرار گرفت، و از خداوند درخواست نمود که او را از

لغزش حفظ کند، و سخن حق را بر زبانش جاری سازد، و گفتارش را در شنوندگان مؤثر قرار دهد، قهرا سخنانش در مردم تأثیر فوق‌العاده‌ای خواهد بخشید. چگونه چنین نخواهد بود با اینکه خداوند و عده فرموده است که دعای درخواست کنندگان از درگاهش را به اجابت رساند؟ و فرموده است: (ادعونی استجب لکم) یعنی: (مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم). علاوه بر این در روانشناسی جدید هم ثابت شده است که هرگاه سخن از دل برخیزد بر دل خواهد نشست، همانگونه که اگر سنگی در آب بیاندازیم ایجاد امواجی می‌کند، تا جائی که گفته‌اند: انسان می‌تواند با اراده قوی در هرکس که بخواهد که میان آنان فرسنگها فاصله باشد تأثیر بگذارد. و لازم است که توجه قلبی از اول منبر تا آخر ادامه داشته باشد، نه آنکه انسان به همان اندازه مشروع اکتفاء کند، زیرا این اندازه گرچه خوب است، ولی ادامه توجه قلبی تأثیری بیشتری خواهد داشت... البته روشن است که این معنا اختصاصی به منبر ندارد، بلکه تألیف و تدریس و دیگر امور ارشادی هم تابع همین برنامه است، بلکه تمام امور زندگی هنگامی که برای خدا انجام گیرد تأثیر بیشتری در کمال و به ثمر رسیدن خواهد داشت.

۲ ـ توجه دادن به سوی خدا

هرگاه گوینده در منبر ضمن بیان مطالب خود مردم را بسوی خدا متوجه کند، سخنان او در شنوندگان تأثیر بیشتری خواهد داشت، گوینده باید حتی در داستانها و تاریخهائی که نقل می‌کند مردم را به خدا توجه دهد، زیرا شنونده هنگامی که متوجه بزرگترین قدرت جهان گردید بناچار در برابر او خود را کوچک دیده در او نرمش و خشوع و خضوعی ایجاد خواهد گردید. روشن است که سخن و پند و اندرز در این نوع افراد اثر بیشتری خواهد نمود، زیرا در روحیه‌ای که سخت و خشن است تأثرپذیر نخواهد بود، برخلاف روح متواضع و نرم که مانند خاک نرم قابل نفوذ بود پذیرش بیشتری را دارد. برای نمونه گوینده‌ای که می‌خواهد داستانی از زندگانی هارون خلیفه عباسی بیان کند، گاهی ممکن است بگوید: هارون گفت، یا خلیفه عباسی گفت و... و گاهی هم می‌گوید: آن مرد سرکش و نافرمان که خدا و عذاب الهی را فراموش کرده بود چنین گفت یا چنان کرد... و نیز اگر بخواهد مثلا در باره جزر و مد دریا سخن بگوید، می‌گوید: از قدرت نمائی‌های پروردگار متعال است که زمین را در جایگاهی متوسط میان خورشید و ماه قرار داده است که این امر گاهی سبب جزر و گاهی موجب مد و در نتیجه تولید امواج و طوفانهای دریائی می‌شود، و به همین ترتیب در بیان سایر مطالب و داستانها...

۳ ـ آماده ساختن مردم برای پذیرش ارشاد

گوینده درست بسان یک کشاورز است که در زمین کشت و زرع می‌کند، همانگونه که یک کشاورز تا هنگامی که زمین را کاملا برای کشاورزی آماده نکرده است، و کاملاـ آنرا شیار نکرده و آب نداده باشد نمی‌تواند از کشاورزی خود بهره کافی بگیرد، همچنین یک گوینده مذهبی هم ناچار است که قبلاـ با بیان مقدمات و مطالب لازم شنوندگان خود را برای پذیرفتن مطلبی که می‌خواهد بیان کند آماده سازد، برای نمونه هنگامی که گوینده می‌خواهد پیرامون حرمت شراب سخنرانی کند، قبلا باید مضرات شراب را بیان کرده، مردم را بلزوم حفظ الصحهٔ توجه دهد، و بیان کند که چگونه شراب سلامتی جسم و جان انسان را به خطر می‌افکند و... این امر را خطباء اکثر در مورد ذکر مصیبت که در اصطلاح آنان (گریز) نامیده می‌شود رعایت می‌کنند، ولی لازم است که این جهت را در تمام منبر خود رعایت کنند، و برای تمام بحثها و مطالبی که می‌خواهند بیان کنند بطرز صحیحی مقدمه چینی کنند، تا هرچه بیشتر نتیجه بگیرند.

۴ ـ ارشاد عملی

یک بازرگان و عمده‌فروش اجناس خود را میان کسبه جزء و خورده فروشان تقسیم می‌کند، و سپس اول هرماه که می‌شود از آنان مطالبه حساب خود را می‌کند، گوینده مذهبی هم در مورد نشر مطالب، و بیان حقایق دینی و علمی درست همین وضعیت را دارد. همانگونه که اگر بازرگان از مطالبه سرمایه خود که آنرا میان خورده فروشان توزیع کرده است کوتاهی کند سرمایه‌اش از بین رفته ثروتش بر باد خواهد رفت. همچنین یک واعظ اگر مردم را ارشاد کند، ولی از مردم عمل کردن به گفتارش را مطالبه نکند، زحماتش به هدر خواهد رفت و کارش بی‌نتیجه خواهد بود. بنا بر این یک گوینده مذهبی هم پس از آنکه مطالبی برای شنوندگان خود بیان کرد باید از آنان نتیجه بخواهد، ولی باید اعتراف کرد که مطالبه عمل به گفته‌ها و نتیجه گرفتن کاری است بس مشکل، ولی چاره‌ای نیست اگر گوینده بخواهد در کار خود موفقیت داشته باشد باید به این فکر هم باشد. مثلا گوینده در بیانات خود زیانهای شراب و قمار را بیان می‌کند و سپس راه خود را در پیش می‌گیرد و می‌رود و به همین سخنان و راهنمائیهائی که کرده است اکتفاء می‌کند، این سبک تبلیغ اگر تأثیری داشته باشد یک درصد است. ولی اگر مردم را نسبت به زیانهای شراب آگاه ساخت، و سپس در فکر بستن در شراب فروشی و توبه دادن شرابخواران هم افتاد، و برای این منظور هم وسائلی فراهم ساخت، و به میزان قدرت خود اقدام عملی انجام داد، تأثیر گفتار او پنجاه درصد خواهد بود، و اینگونه وعاظ هم در میان مردم بیشتر از وعاظ دسته اول مورد احترام خواهند بود، زیرا مردم روحانیون و گویندگانی را که عمل می‌کنند بیش از دیگران دوست دارند. من خودم شخصا این موضوع را بارها تجربه کرده‌ام، مثلا جمعی از دوستانمان برنامه مسجد ساختن داشتند، به این منظور در یکی از مساجدی که به صورت ویرانه در آمده است جلسات هفتگی دایر می‌کردیم، و من در آن جلسه پیرامون ثواب مسجد ساختن سخن می‌گفتم، و در پایان سخنان ما بعضی از رفقا بلند می‌شدند تا نام افرادی را که برای بنای آن مسجد می‌خواهند کمک کنند بنویسند، و بسیاری از اوقات در همان جلسه مبلغ قابل توجهی که بتوان با آن شروع بکار کرد جمع می‌شد... و به این ترتیب بیشتر جلسات سخنرانی ما با نتایج عملی توأم بود، و در منابر خود پیرامون امور مذهبی بسیاری از قبیل تأسیس مدرسه، چاپ کتاب و... بحث می‌کردیم و نتیجه می‌گرفتیم.

۵ ـ آگاهی از علوم اسلامی

برای گوینده اسلامی بسیار لازم است که از این علوم اسلامی آگاهی کاملی داشته باشد: ۱ ـ علم کلام که مربوط به توحید، رسالت، امامت، معاد و چگونگی بهشت و دوزخ و... ۲ ـ علم فقه و ابواب مختلفه آن از طهارت تا دیات. ۳ ـ علم اخلاق، مانند اخلاقیاتی که در کتاب (جامع السعادات) آمده است. ۴ ـ علم آداب، مانند آداب و رسومی که در کتاب (حلیةالمتقین) مرحوم مجلسی وارد شده است. ۵ ـ علم تفسیر، گرچه به اندازه‌ای باشد که معنی ظاهری آیات قرآن را فرا گرفته باشد. ۶ ـ بداند که اسلام در باره جهان آفرینش و زندگی چه نظری دارد. ۷ ـ بتواند میان اسلام و سایر ادیان و مکتبهای دیگر مقایسه کند. ۸ ـ آگاهی از تاریخ رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام به صورتی زنده و روشن. ۹ ـ آگاهی از تاریخ تمدن و فرهنگ و پیشرفتها و جریانات مسلمانان و برخوردهائی که با سایر ادیان و ملتها داشته‌اند. ۱۰ ـ آگاهی از احادیث وارده از اهل‌بیت علیهم‌السلام که از آن جمله است (نهج‌البلاغة) (صحیفه سجادیه) (روایات بهداشتی) و غیره... ممکن است انسان اطلاع از این همه علوم را امری بعید بشمارد ولکن باید یک واعظ بداند که پیروزی کامل در امر تبلیغ بستگی به فراگرفتن علوم مزبور دارد، و پیروزی متوسط در این

مورد بستگی به فراگرفتن این علوم در حد متوسط داشته، و مبتدیان باید بکوشند و خط سیری برای خود درست کنند که این اطلاعات را بدست آورند.

۶ـ آگاهی از حوادث و تازه‌های عصر

مردم فطرتاً علاقه دارند که از حوادث و تازه‌های عصر خود آگاه باشند، همانگونه که علاقه دارند از اتفاقات دورانهای گذشته هم آگاهی داشته باشند، و نیز می‌خواهند بفهمند که در آینده چه حوادثی پیش خواهد آمد و چه جریاناتی در شرف تکوین است. و لذا هر اندازه که واعظ آگاهی بیشتری از حوادث و اتفاقات شهرها و کشورهای همجوار داشته باشد به همان اندازه گفتارش در شنونده بیشتر تأثیر خواهد داشت، برای نمونه اگر در یکی از کشورهای همسایه جنگی اتفاق افتد که در این کشور تأثیر خواهد داشت، واعظ در چنین موقعیتی بالای منبر رود و بهیچوجه اشاره‌ای به آن جنگ نکند، شنونده در حال انتظار می‌ماند و دلش می‌خواهد از علل و عوامل بروز آن جنگ و چگونگی آن اطلاع پیدا کند. مخصوصا اگر آن حادثه مربوط به ممالک اسلامی و مسلمانان باشد، در عصر ما که وسائل اطلاع بسیار فراوان است، بطوری که واعظ برای بدست آوردن اینگونه اطلاعات بیشتر از این لازم نیست که گوش خود را باز کند و بشنود، یا چشم باز کند و ببیند، البته برای واعظ لازم است که رعایت کند و هرچه را می‌شنود روی منبر بیان نکند، و از میان تازه‌ها و حوادث عصر خود قسمتهائی را که مناسب با سطح تبلیغی خود می‌بیند بیان کند و نتیجه بگیرد.

۷ـ موضوعات و مطالب تازه

هیچ شده است که داستانی را چند بار بشنوی؟ انسان اگر داستانی را دوبار بشنود خسته می‌شود چه رسد به اینکه آنرا چندین بار بشنود، بنا بر این بر واعظ لازم است که این جهت مهم را کاملا رعایت کند، و یک موضوع یا یک داستان را در چند منبر خود تکرار نکند، البته در صورتی که مستمعین منبرش همان شنوندگان منبرهای قبلی باشند. در منبرهای هفتگی خود این موضوع را کاملاـ رعایت می‌کنم به طوری که هیچگاه یک مطلب را ولو پس از چندین سال تکرار نمی‌کنم. تکرار یک مطلب علاوه بر اینکه دلالت بر افلاس واعظ می‌کند موجب خواهد شد که مردم از اطرافش پراکنده شوند، و سخنانش در شنوندگان کمتر تأثیر خواهد نمود، بنا بر این بر واعظ لازم است که همیشه بکوشد تا منابر تازه و متنوعی تحویل دهد. ما این مطلب را می‌توانیم از قرآن مجید یاد بگیریم، زیرا قرآن مجید این اسلوب را رعایت کرده است به طوری که یک داستان را هیچگاه تکرار نکرده است، ولی به مناسبتهای مختلفی بارها به آن داستان اشاره کرده است، و در هر مورد که اشاره به داستانی کرده می‌بینیم مطلب تازه‌ای آورده است که قبلا اشاره به آن نشده است.

۸ـ مجسم ساختن وقایع و مطالب

در مورد آموزش و تعلیم و تربیت، مثل معروفی است که می‌گوید: (یک تصویر از هزار کتاب و مجسم ساختن یک جریان، مؤثرتر از هزاران سخن است) روی این حساب و با این روش یک واعظ خیلی بهتر می‌تواند در شنوندگان خود تأثیر بگذارد، یک گوینده مذهبی گاهی مثلا می‌گوید: حسین در کربلاء کشته شد، و گاهی جریان شهادت حضرت را طوری مجسم می‌کند که شنونده پیش

خود فکر می‌کند که دارد آن حادثه را مشاهده می‌کند، و مجسم ساختن یک جریان احتیاج دارد به توصیفهائی از آن حادثه، که گوینده باید با تمرینهای فراوان خود را عادت دهد تا بتواند یک مطلب یا یک واقعه و حادثه را کاملا مجسم سازد. و چون تأثیر سخن تابع ترغیب و ترهیب و برانگیختن عواطف است، بر واعظ لازم است که این امور را با راههای مختلف و روشهای گوناگون تمرین کند. هنگامی که واعظ توانست که موقعیتها را بطور دقیق توصیف کند، بدون آنکه جریانات را بر خلاف واقع بزرگتر یا کوچکتر از اصل آن جلوه دهد می‌تواند در دلهای شنوندگان خود تأثیر کامل نماید و آنان را آنطور که می‌خواهد ارشاد کند.

۹ ـ تجزیه و تحلیل مطالب

یکی از وظایف مهم واعظ که باید بخوبی در آن وارد باشد تجزیه و تحلیل مطالب است، و چنانچه گوینده مطلبی را بدون تجزیه و تحلیل بیان کند بجای آنکه مردم را ارشاد کرده باشد گاهی ممکن است موجب تنفر و گمراهی مردم شود. مثلاً اگر واعظ بگوید که: رسول خدا (ص) در فلان واقعه دستور فرمودند که تعدادی از یهودیان را بکشند، شنونده سرگردان می‌ماند! و با خود می گوید: مگر رسول خدا (ص) رحمهٔ للعالمین نیست؟ پس چرا دستور می‌دهد این همه انسانها را قتل عام کنند؟! اما اگر واعظ قبلا جریان را تجزیه و تحلیل کند، و روحیات یهودیان را بخوبی برای شنوندگان تشریح کند و برای آنان توضیح دهد که یهودیان از آغاز پیدایش چه بلاهائی بر سر بشریت آورده‌اند و در رأس تمامی توطئه‌ها بر ضد اسلام قرار داشته‌اند، و بر ضد بشریت که رسول خدا (ص) می‌خواست آنان را بسوی سعادت و نیکبختی سوق دهد چه عملیاتی انجام می‌داده‌اند و... پس از این توضیحات خودبخود شنونده منتظر است که از شما بشنود که چگونه رسول خدا (ص) دستور قتل عام آنان را صادر فرمود تا بشریت از شر آنان نجات یابد. ولی همیشه باید رعایت کرد که تجزیه و تحلیل مطالب به اندازه انجام گیرد، بنا بر این زیاده‌روی کردن و حاشیه پردازیهائی که مخالف واقع است، و فلسفه‌بافیهای دروغین که انسان را از واقعیت و حقیقت دور می‌کند از تأثیر سخن نیز خواهد کاست زیرا افراط و تفریط هردو زیان بخش بوده موجب فساد خواهد شد.

۱۰ ـ رعایت تناسب در بحث

بر واعظ لازم است که توجه کاملی به رعایت تناسب بحثهای خود داشته باشد ودر ابتدای سخن پیرامون هر موضوعی که بحث کرد باید تا به آخر سخن پیرامون همان موضوع بحث کند، نه آنکه در یک جلسه هر سخنی که به زبانش آمده بگوید مانند پرنده‌ای که از این شاخه به آن شاخه پرواز می‌کند، زیرا این امر موجب پراکندگی ذهن شنونده خواهد شد و تأثیر مطلب کم خواهد شد. آری گاهی موضوعی را که واعظ می‌خواهد بیان کند مربوط بموضوعات مختلفی است که ناچار است از آن موضوعات بحث کند، اینجا خروج از تناسب و از شاخه‌ای بشاخه‌ای پریدن نیست، بلکه عبارتست از بحث در یک موضوع کلی که موضوعات گوناگونی در بردارد. مثلا گاهی واعظ می‌خواهد پیرامون (اجتناب از محرمات) بحث کند در اینصورت باید از شرابخواری، قمار، ربا و دیگر گناهان بحث کند، برخلاف موقعی که واعظ می‌خواهد در یک جلسه پیرامون (زیان شراب) بحث کند که در این جلسه دیگر نباید از موضوع دیگری بحث بمیان آورد، اگر گوینده توجهی به تناسب گفتار خود نداشته باشد، بیشتر اوقات دچار تناقضاتی خواهد شد که نجات یافتن از آن مشکل خواهد بود مثلا: هرگاه واعظ پیرامون عفو و بخشش خداوند سخن بگوید، و سپس از عقاب و عذاب الهی سخن بمیان آورد شنونده میان این دو خصلت تناقض می‌بیند، بنا بر این بر واعظ لازم است که کاملا از بحث کردن پیرامون موضوعات گوناگون پرهیز نماید، هرچند هم گاهی ممکن است واعظ میان موضوعات مختلفی یک روح وحدتی احساس

کند، ولی باز هم بهتر است که در هر جلسه پیرامون یک موضوع جداگانه بحث کند.

۱۱ ـ سطح معلومات شنوندگان

معمولاـ در جلسات سخنرانی وعاظ شنوندگانی در سطحهای گوناگون شرکت می‌کنند، قهرا افرادی باسواد، و عده‌ای بی‌سواد، جمعی دانشمند، گروهی عامی، از زنان و مردان، بزرگ و کوچک پخته و ناپخته، با ایمان، ضعیف الایمان، و افراد قدیمی و متجددین در جلسه حضور دارند، بنا بر این بر واعظ لازم است که بسیار سعی کند و مناسب با این سطحهای مختلف مطالبی بیان نماید، تا موجب دور شدن مردم از حقیقت نشود، و بجای آنکه از منبر او چیزی درک کنند نسبت به جلسات مذهبی و منبرها بدبین نشوند. بیشتر اوقات در جلسات مذهبی افرادی شرکت می‌کنند که مناسب با هریک از آنان سخنی است که با دیگری مناسبت ندارد. مثلا هرگاه مستمع شخصی ترسو و بخیل یا گناهکار باشد مناسب است که انسان او را به شجاعت و کرم وا داشته، او را از عذاب الهی بترساند، و چنانچه شنونده مردی جسور یا اسراف کننده یا زاهد باشد، یا کسی باشد که خوفش بیش از امیدواریش باشد، برای او مناسب است که او را وادار به احتیاط و اقتصاد کرده، بشارت به ثواب دهیم، بنا بر این هنگامی که واعظ در مجلس خود این دو صنف را مشاهده می‌کند چگونه مناسب است سخن بگوید؟ من در منبرهایم در این باره با مشکل سختی روبرو هستم، زیرا همیشه در جلسات افرادی در سطهای گوناگون شرکت می‌کنند.

۱۲ ـ شناخت دردها و اولویت ها

واعظ در موقعیت یک طبیب ماهر انجام وظیفه می‌کند، همانگونه که یک طبیب هنگام معاینه بیماران خود هرکدام از آنان را مورد معاینه قرار می‌دهد، و پس از تشخیص نوع بیماری آنان برای هرکدام دوای مناسب دردشان را می‌نویسد، و چنانچه طبیب برای بیماری که تب دارد دوای یرقان بنویسد او را مسخره می‌کنند. و همچنین هنگامی که یک واعظ در اجتماع افراد شرابخوار منبر رفت اگر پیرامون مسئله ربا بحث کند، بحث او مناسب با جلسه‌اش نبوده دلیل بر بی‌سلیقگی او می‌باشد، و در اینگونه مجالس باید پیرامون شراب بحث کند، و نیز اگر واعظی در میان جماعتی قمارباز منبر رود که اهمیت به نظافت هم نمی‌دهند اینجا برای واعظ بحث پیرامون قمار و بیان مضرات آن مقدم بر بحث پیرامون نظافت است و همینطور در سایر مباحث مورد نیاز شنوندگانش باید رعایت اولویت را بنماید.

۱۳ ـ آگاهی از موقعیت مجلس

از فصلهای گذشته روشن شد که باید خطیب به اوضاع و احوال مجلس خود کاملاـ آگاه باشد، بنا بر این کافی نیست که واعظ احادیث و مواعظ و داستانهائی را حفظ کند و بدون رعایت حالات و خصوصیات اجتماعی شنوندگانش آن مطالب را بیان کند، وگرنه گاهی ممکن است در سخنرانیش با شکست روبرو شود، و سخنانش تأثیر نگذاشته، بلکه گاهی فساد سخنانش بیشتر از تأثیرش باشد. بیاد دارم که من خودم در یکی از منبرهایم داستانی از زندگی یکنفر از رهبران ادیان قلابی را بیان کردم، و هدفم از نقل آن داستان این بود که رئیس دینی حتی اگر رئیس یک دین قلابی هم باشد باید متصف بصفات جالبی باشد، پس از پایان جلسه یکی از رفقا نزد من آمده گفت: بجای آنکه ابرویش را اصلاح کنی چشمش را کور کردی! گفتم: چرا؟ گفت: اتفاقا من

مهمـانی داشـتم که از پیروان آن دین قلابی بود که شـما از زنـدگی رهبرش داسـتانی نقل کردی، سـخنان شـما موجب شـد که این شخص بیشتر بـدین خودش علاقه پیـدا کند، زیرا شـما که این داسـتان را نقل کرده‌اید می‌گوید: رئیس دین او را مدح کرده‌اید. لذا من کوشیدم تا او را از عقیده‌اش برگرداندم.

۱۴ ـ آلت دست کلاشان نشود

بسیار لازم است که واعظ احترام خود را حفظ کند، و کاری نکند که سخنش از ارزش بیفتد، زیرا بسیاری از اوقات افرادی کلاش یا احیانا فقرائی که محتاج هسـتند می‌آینـد و از واعظ درخواست می‌کننـد که برای آنان مقداری پول از مردم بگیرد، واعظ هم آلت آن فرد کلاش یا فقیر می‌شود، و این امر موجب می‌شود که منبرش سـبک شود، و جمعیت از مجلسـش پراکنده شوند، و از این قبیل درخواسـتها... نـاگفته نمانـد که من بـا این سـخنان نمی‌خـواهم وعـاظ را از جمع‌آوری پول برای فقراء و مسـتمندان مـانع شوم، بلکه می‌خواهم بگویم: برای واعـظ لازم است دقت کنـد و بسـنجد که کـدامیک از این دو امر اهمیت بیشتری دارد. آیـا جمع‌آوری مال برای فقرای نیازمند اهمیت بیشتری دارد، یا رعایت حال مستمعین و موقعیت خودش که تأثیر سخنش بیشتر باشد.

۱۵ ـ شجاعت در تبلیغ

شجاعت در حد اعتدال یکی از صـفات ضـروری هر گوینده مذهبی است، این صفت هرچند که در اکثر افراد یکنوع بهره و موهبت الهی است، ولی افرادی هم که از آن بی‌بهره هسـتند می‌توانند با تذکر و تفکر و مطالعه حالات و زندگانی قهرمانان، این خصـلت را برای خود به دست آورنـد. زیرا واعظی که ترسو باشـد و از گناهکـاران که کارهـای نیـک را ترک کرده، مرتکب گناهان می‌شوند بترسـد، در کـار خـود شـکست خواهـد خـورد، زیرا مردم همیشـه افراد مصـلح را دوسـت دارنـد، و از افرادی کـه پیرو شـهوات و خواسته‌های نامشروع مردم هستند بیزار می‌باشند. و چیزی نمی‌گذرد که مردم افراد ترسو و سازشکار را شناخته و از اطرافش پراکنده می‌شوند.

۱۶ ـ اطلاع از روانشناسی

یکی از چیزهائی که برای واعظ لازم است اطلاع از علم روانشناسـی است، تا هرچند بهتر بتواند در دل مردم جا باز کند، و گفتارش در دل مردم اثر بگـذارد، و از این راه بتوانـد حقـایقی را به مردم رسانـده در آنـان تأثیر نمایـد... زیرا هر مطلبی را می‌توان با الفاظ و تعبیرات مختلفی بیـان کرد، که نحوه بیـان آن گـاهی مؤثر می‌شود و گـاهی تـأثیر نـامطلوب خواهـد داشت. و از این قبیـل است که می‌گوینـد امیری در خواب دیـد که دنـدانهایش افتـاده از معبّری که عـالم به تعبیر خواب بود پرسـید؟ معبّر گفت: تمام بسـتگان امیر خواهنـد مرد، امیر عصـبانی شـد و دسـتور داد او را کتـک زده به زنـدان افکندنـد، و از معبّر دیگری تعبیر خوابش را خواست؟ معبّر گفـت: ایـن خـواب دلالـت دارد بر اینکـه عمر امیر از تمـام بسـتگانش طولانی‌تر خواهـد بـود، امیر دسـتور داد به او جـایزه دادنـد و احترامش نمود. نیز نقل می‌کنند که هارون خلیفه عباسـی از روی حسادت و دشـمنی با حضـرت علی (ع) تصـمیم گرفت که به تمام آفاق مملکتش بخشنامه کند که هیچ جا نگذارند از حضرت علی (ع) نامی برده شود... و هراندازه که علماء و عقلاء خواستند که او را از این فکر منصـرف کنند نتوانسـتند... تا اینکه یکی از علماء نزد او رفت و به او گفت: خلیفه اگر بنو تمیم بیایند و بگویند از میان

ما ابوبکر خلیفه شـده است و ما ابوبکر را داریم، و بنو عدی بیایند و بگویند ماهم عمر را داریم و بنو مره بیایند و بگویند ما عثمان را داریم، آنگاه از تو بپرسند که شما بنی هاشم چه کسی را دارید؟ ای خلیفه در پاسخ آنان چه خواهی گفت؟ هارون مقداری فکر کرد و از تصمیمش منصرف شد.

۱۷ ـ حسن مطلع، حسن ختام، خلاصه‌گوئی

یکی از مطالبی که برای واعظ لازم است آن است که ابتدای سخنانش و آخر بحثش جالب باشد، و همیشه عنوان سخن خود را در اول منبر بیان کند، در پایان هم خلاصه بحث را تکرار کند. بنا بر این بحث خود را نباید با سخنی آغاز کند که مؤثر و جالب نیست، زیرا اگر از ابتداء منبر توجه حاضرین جلب نشود، شنونده در افکار شخصی خود غوطه‌ور شده دیگر گوشش به سخنان واعظ بدهکار نیست، همانگونه که اگر واعظ منبر خود را با مطالبی مبتذل ختم کند تمام زحمات و بحثهایش هدر خواهد رفت، زیرا مردم هنگامی که از مجلس بر می‌خیزند افکارشان با آخرین سخن واعظ خوب باشد یا بد مشغول است. علمای فن بلاغت هم این دو مطلب را جزء شرائط بلاغت یادآوری کرده‌اند... اما تلخیص بحث عبارتست از آنکه واعظ در ابتدای منبرش، و نیز در آخر سخنانش خلاصه و نتیجه بحث خود را یادآوری کند، زیرا اگر خلاصه بحث در اول منبر بیان شود شنونده متوجه موضوع بحث خواهد شد، بطوری که اگر به مقداری از بحث توجه نکرد از خلاصه بحث محروم نمی‌ماند، همانگونه که یادآوری خلاصه بحث در آخر منبر سبب می‌شود که شنونده بحث را در ذهن خود مرتب ساخته، اگر در قسمتی از منبر هم غفلتی داشته است جبران شود. و روی همین حساب است که می‌بینیم وسائل ارتباط جمعی خلاصه اخبار را پیش از بیان مشروح اخبار و بعد از آن نقل می‌کنند، و نیز مؤلفین هم که برای فصلها و مقالات نوشته خود عنوان و فهرست می‌گذارند روی همین حساب است و در مقالات به همان تیتر و عنوان اول بحث اکتفاء می‌کنند، زیرا تیتر جای فهرست را می‌گیرد، علاوه بر این برای خواننده ممکن است که پس از مطالعه دوباره به تیتر مقاله توجه کند.

۱۸ ـ مستمعین بسیار

یکی از چیزهائی که برای واعظ مراعات آن لازم است، آنستکه مراقب باشد که در مجلسش شنونده بیشتری شرکت کند، زیرا کمی تعداد شنوندگان اولاً: موجب می‌شود که خود شنونده کسل شود، ثانیاً: شنوندگان درگوش دادن به سخنانش سرد می‌شوند، زیرا فطرت مردم این طور است که همیشه بطرف کسی روی می‌آورند که مردم بیشتر به او روی آور شده‌اند. و روی همین حساب است که می‌بینیم تجار هم عادت کرده‌اند که بیشتر با کسانی معامله می‌کنند که مشتری بیشتری دارند، زیرا زیاد بودن مشتری را دلیل براین می‌دانند که جنس او جنس بهتری است یا نرخ او ارزانتر است. ثالثاً: زیان کمی تعداد شنوندگان کسالت صاحب مجلس است، که در آینده در تشکیل مجلس سرد می‌شود، یا اگر مجلسی دایر کرد دیگران و اعظ را که نتوانسته است جمعیتی را پای منبرش بکشاند دعوت نخواهد نمود. و هر منبری که نتواند این سه رکن اساسی را که عبارت است: نشاط گوینده، نشاط شنونده، و نشاط مجلس، را حفظ کند، آن منبر منبری است شکست خورده. اما از چه راهی می‌توان شنونده بیشتری جلب کرد؟ ۱ ـ مطالب جالب و مؤثر، بیان جالب، ساعت منبر ساعت مناسبی باشد، که در این مورد توضیحات بیشتری خواهیم داد. ۲ ـ گوینده قبلا صاحب مجلس را ببیند و او را وادار نماید که مردم را به مجلس دعوت کند، و برای شنوندگان وسائل آسایش مانند پنکه و کولر در تابستان و بخاری و شوفاژ در زمستان فراهم نموده، برای آنکه صدای واعظ در داخل جلسه و خارج به همگان برسد بلندگوی

مناسبی تهیه کند. ۳ ـ گوینده در منبر شنوندگان را تشویق کند که دوستان خود را بمجلس دعوت کنند و فرزندان و نزدیکان خود را نیز همراه خود بیاورند.

۱۹ ـ منبر رفتن در ساعت مناسب

در وقت نامناسب منبر رفتن موجب شکست انسان در منبر خواهد شد، بنا بر این بر واعظ لازم است در وقتی که مناسب منبر نیست منبر نرود، مانند ساعتی که گرما بسیار شدید است، یا وقتی که سرمای بسیار سختی است، یا در ساعتهای نزدیک نصف شب، و همچنین در هنگامی که مردم دارای آرامش نیستند و تشویش و نگرانی دارند، مانند مواقعی که پیش آمدها، فکر مردم را بخود مشغول کرده است، مانند حادثه جنگ، یا تجهیزات جنازه‌ای، یا استقبال شخصیتی، یا عزاداری و دسته‌ای، یا مجلس عروسی و این قبیل کارها... که در این موارد اگر شنوندگان آمادگی برای گوش دادن به سخنان واعظ ندارند، و موقعیت مناسب منبر نیست، قهرا بیانات واعظ برای آنان سنگین و خسته کننده خواهد بود، و اینگونه وعاظ که رعایت موقعیت را نمی‌کنند سزاوار شکست بوده، گاهی همین بی‌ملاحظگی‌ها سابقه منبر شان را خراب می‌کند. یکی از اوقات نامناسب منبر رفتن در مجلسی است که قبلا چند نفر از وعاظ منبر رفته و شنوندگان را خسته کرده‌اند، و نیز وقت نماز و هنگام غذا نهار یا شام هم برای منبر رفتن مناسب نیست.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

